

سیستم بازار آزاد معمولاً برای رسیدن به اهداف توزیع درآمد، تولید کالاهای عمومی و مقابله با شرایط خاص اقتصادی مثل جنگ و تحریم، از طریق دولت و با استفاده از ابزارهایی کنترل و تصحیح می‌شود. این ابزارها شامل؛ مالیات، یارانه، تعیین سقف و کف قیمتی و تعیین سقف مقداری یا همان جیره بندی و سهمیه بندی است. از دلایل نظری دخالت دولت در سیستم بازار آزاد، شکست بازار آزاد در تخصیص بهینه منابع در مورد کالاهای عمومی، و همین طور اثرات خارجی مثبت و منفی است (فرجی دیزجی، ۱۳۸۹، ص. ۶۲۰). ابزارهای کنترل بازار به شرح زیر می‌باشند:

### مالیات

دولت می‌تواند براساس شیوه‌های مختلفی اقدام به اخذ مالیات نماید. این مالیات‌ها به صورت مالیات یکجا، مالیات بر واحد و مالیات بر فروش (مالیات بر حسب درصدی از قیمت) می‌تواند اعمال شوند که معمولاً اثرات متفاوتی در بلند مدت و کوتاه مدت بر مقدار و قیمت تعادلی بازار دارد. از طرف دیگر این اثرات در شرایط مختلف بازار، متفاوت است. مثلاً مالیات یکجا در کوتاه مدت - البته اگر هزینه متوسط را خیلی زیاد افزایش ندهد - تاثیری بر میزان فروش و قیمت هم بازار رقابت کامل و هم بازار انحصار کامل (بنابراین بر صنعت) ندارد و فقط سود را کاهش می‌دهد. ولی در بلندمدت اثرش را بر مقدار و قیمت هردو نوع بازار و صنعت نمایان می‌سازد. و یا دولت می‌تواند با اعمال مالیات بر واحد، بر میزان فروش و مصرف کالا کنترل داشته باشد و از این طریق میزان تولید کالای خاصی را کاهش دهد. اما اثرات زیان کارایی یا تخصیصی مالیات بر واحد بیشتر از مالیات یکجاست. (برای توضیحات بیشتر به کتاب‌های اقتصاد خرد مراجعه شود).

### Control of Market

اقتصاد بازار یک نظام اقتصادی است که در آن تولید و توزیع کالاها و خدمات با سازوکار بازارهای آزاد که توسط سیستم قیمت آزاد هدایت می‌شود (به جای بازارهای با برنامه)، انجام می‌گیرد. در یک اقتصاد بازار، تولید کنندگان و مصرف کنندگان درباره آنچه که تولید یا خریداری می‌کنند، خود تصمیم می‌گیرند؛ در مقابل در اقتصاد با برنامه‌ریزی متمرکز، دولت درباره نوع و کمیت کالاهای تولید شده تصمیم‌گیری می‌کند. در اقتصاد بازار هیچ هماهنگ کننده مرکزی عملیات را هدایت نمی‌کند، بلکه از دیدگاه نظری، خود سازماندهی بر تعامل پیچیده عرضه و تقاضا و قیمت‌های تعداد زیادی کالا و خدمات حاکم است. حامیان اقتصاد بازار معتقدند اشخاصی که به دنبال خواسته‌های شخصی خود در تجارت هستند، یک آرایش خود به خودی ایجاد می‌کنند که در تأمین مقادیر زیادی کالا برای جامعه به کارآمدترین شکل ممکن موثر است. به طور کلی اقتصاد بازار در تصمیم‌گیری از پایین به بالا عمل می‌کند و اطلاعات ورودی مصرف‌کنندگان در هنگام خرید محصولات در بازار به تولیدکننده می‌رسد (Eatwell et al, 1988, P. 73). آدام اسمیت از بنیانگذاران بازار آزاد در کتاب ثروت ملل می‌گوید: «شخصی که فقط به منافع خود می‌اندیشد توسط یک دست نامرئی به جایی می‌رود که با خواسته‌های او مطابقت دارد. این وضعیت برای جامعه‌ای که بخشی از آن نبوده همیشه بد نیست. هر فرد با دنبال کردن مداوم علایق خود علایق جامعه را به طور موثر ارتقاء می‌دهد. من هرگز از کسانی که بر تجارت کالای مشترک (غیر رقابتی) اثر گذاشته‌اند چیز خوبی سراغ ندارم.» در واقع اسمیت اهمیت عدم دخالت و کنترل بازار را راهکار رسیدن به منفعت عام می‌داند (Mankiw, 1997, P. 8). لذا در مدل اقتصادی بازار آزاد هیچ گونه دخالتی از سوی دولت یا منبع

## یارانه

یارانه در مباحث اقتصادی معمولاً به مالیات منفی نیز مشهور است. گاهی اوقات دولت برای اهداف غیر اقتصادی و یا اهداف توزیعی یارانه‌ها را اعمال می‌کند. یارانه نیز می‌تواند به صورت یکجا یا ثابت، یارانه بر واحد فروش و یا مصرف باشد. مثل حالت مالیات، اثرات یارانه بر مقدار و قیمت بازار در کوتاه مدت و بلندمدت و در بازارهای مختلف، متفاوت است. و حتی اعمال آن مثل مالیات زیان‌کاری ایجاد می‌کند.

قابل ذکر است که ضررهای کارایی ایجاد شده برای جامعه توسط دولت که با اعمال مالیات و یارانه حاصل می‌شود، با این پیش فرض بیان شد که ما در یک فضای کلاسیکی قرار داریم و حداکثر سازی سود و اضافه رفاه بیانگر حداکثر سازی منفعت اجتماعی است. در حالی که اگر در یک فضای نقض فروض کلاسیکی قرار بگیریم نتایج متفاوت خواهد بود، که به شکست بازار معروف است (Lipsey & Harbury, 1993, P. 16). مثلاً هنگام وجود اثرات خارجی مثبت (منفی) در تولید و مصرف، حداکثر سازی سود و مطلوبیت فردی لزوماً منفعت اجتماعی را حداکثر نمی‌کند و از آنجایی که افراد و بنگاه‌ها فقط مطلوبیت و سود خودشان را بدون توجه به جامعه حداکثر می‌کنند، منابع بهینه تخصیص داده نمی‌شوند زیرا، این نوع کالاها زمان مصرف یا تولید، علاوه بر ایجاد منفعت قابل مشاهده بر مصرف کننده و تولید کننده، منافع (ضررهایی) را هم برای سایر افراد و بنگاه‌ها دارند، مثل تولید دانش. لذا هنگام وجود اثرات خارجی مثبت (منفی) تولید و یا مصرف کالایی، کمتر (بیشتر) از وضعیت تخصیص بهینه منابع است و دولت می‌تواند با اعمال یارانه (مالیات) بر تولید یا مصرف آن کالا، بازار را به وضعیت تخصیص بهینه برساند. این نوع یارانه و مالیات‌ها به یارانه و مالیات «پیگو» نیز مشهورند و بیشتر در مباحث «اقتصاد بخش عمومی» مورد بررسی قرار

می‌گیرند.

## قیمت کف

هرگاه دولت بخواهد به منظور حمایت از تولیدکنندگان (مثل تثبیت قیمت‌ها برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی) در قیمت بازار دخالت کند، این گونه دخالت را «سیاست کف قیمت» می‌نامند. در صورت اعمال سیاست کف قیمت، دولت قیمتی بالاتر از قیمت تعادلی را به عنوان قیمت بازار در نظر می‌گیرد، این قیمت حداقل قیمتی است که در بازار بنابر پیشنهاد دولت باید وجود داشته باشد و چون بالاتر از قیمت تعادلی است مقدار تقاضا کاهش یافته و احتمالاً مقدار عرضه نیز به علت ورود عرضه‌کنندگان جدید به بازار افزوده می‌شود، در این صورت بازار برای کالای مزبور مواجه با مازاد عرضه و یا مازاد تولید می‌شود. البته اجرای این سیاست منجر به کاهش رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود (Mankiw, 1997, P. 27). مثلاً اگر دولت برای حمایت از کشاورزان، برای گندم کف قیمتی تعیین کند به طوری که قیمت بالاتر از قیمت تعادلی بازار باشد. در این صورت مقدار تعادلی خرید محصول بعد از اجرای کف قیمت، کمتر خواهد شد و این در حالیست که در کف قیمتی، عرضه‌کنندگان تمایل به عرضه، بیشتر از حالت معمول دارند. بنابراین سه وضعیت می‌توان متصور شد (Mankiw, 1997, P. 28): (۱) دولت فقط کف قیمتی تعیین کند و مازاد عرضه را خریداری نکند در این صورت جامعه به دو دلیل زیان‌رهای خواهد داشت. اولاً تولیدکنندگان به دلیل عرضه کمتر و درآمد کمتر متضرر می‌شوند ثانیاً مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالاتر مقدار تقاضا و اضافه رفاه‌شان، کمتر از حالت معمول خواهد بود، و عرضه‌کنندگان سعی خواهند کرد محصولشان را در بازار سیاه (که قیمتی پایین‌تر) عرضه کنند. (۲) دولت مازاد عرضه به وجود آمده از قیمت بالاتر از قیمت تعادلی را خریداری کند. در این صورت اگر چه

## کنترل بازار

اضافه رفاه برخی از مصرف کنندگان زیاد می‌شود (مصرف کنندگانی که می‌توانند کالا را تهیه کنند)، اضافه رفاه کل جامعه کاهش می‌یابد (شاگری، ۱۳۸۶، ص. ۶۵). در این مورد نیز سه حالت مذکور برای مصرف کنندگان اتفاق خواهد افتاد و برای اینکه این سیاست با موفقیت اجرا شود باید دولت به واردات محصول و فروش در سقف قیمتی اقدام کند.

### جیره‌بندی

گاهی اوقات دولت برای تغییر شدت تقاضا برای کالایی خاص، جیره‌بندی را اعمال می‌کند. در چنین شرایطی، دولت مقدار تقاضای آن کالا را با روش‌هایی مانند کوپنی کردن کالا محدود نموده و به متقاضیان اجازه می‌دهد که مقدار مشخصی از آن کالا را در بازار خریداری نمایند. در نتیجه اگر دولت مقدار جیره را بیشتر از مقدار تعادلی تعیین کند، بر بازار بی‌تاثیر خواهد بود. در غیر این صورت، منحنی تقاضا در نقطه جیره بندی شکسته و عمودی می‌شود. بنابراین اضافه عرضه باعث کاهش قیمت شده و اضافه رفاه تولید کننده قطعاً کاهش و اضافه رفاه مصرف کننده ممکن است کاهش یا افزایش داشته باشد چون از طرفی قیمت کاهش و از طرفی مقدار مصرف کاهش می‌یابد (ابونوری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۷). ولی در مجموع رفاه جامعه کاهش می‌یابد.

### سهیمیه‌بندی

معمولاً دولت برای محدود کردن میزان فروش کالایی سهیمیه بندی را اجرا می‌کند. مسلماً سیاست سهیمیه بندی زمانی وضعیت بازار را تغییر می‌دهد که کمتر از مقدار تعادل بازار باشد. منحنی عرضه در نقطه سهیمیه بندی شکسته و عمودی می‌شود. لذا مقدار عرضه کاهش و قیمت بازار افزایش می‌یابد (ابونوری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۹). بنابراین اضافه رفاه

عایدی تولید کنندگان افزایش می‌یابد ولی مصرف کنندگان همچنان از کاهش میزان مصرف، متضرر می‌شوند، ولی چون تقاضا افزایش می‌یابد (تقاضا به دلیل ورود دولت منتقل می‌شود)، سیاست کف قیمت با موفقیت اجرا می‌شود. (۳) منحنی تقاضا کاملاً بی‌کشش باشد، در این صورت منحنی تقاضا عمودی است و فقط قیمت محصول تغییر می‌کند و مقدار در همان میزان قرار دارد. لذا، فقط اضافه رفاه تولید کنندگان افزایش و دقیقاً به همان میزان اضافه رفاه مصرف کنندگان کاهش پیدا می‌کند.

### قیمت سقف

اگر دولت بخواهد از مصرف کنندگان یک کالا یا خدمات بخصوصی حمایت نماید، در این صورت اقدام به اجرای سیاست سقف قیمت خواهد نمود. در اجرای این سیاست دولت قیمتی پایین‌تر از قیمت تعادلی را به عنوان قیمت بازار پیشنهاد می‌نماید، و چون این قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی است، مقدار تقاضا افزایش یافته و احتمالاً مقدار عرضه کاهش خواهد یافت. لذا؛ بازار برای آن کالا مواجه با کمبود عرضه می‌گردد. از آنجایی که قیمت پایین‌تر می‌آید و این سیاست به منظور حمایت از مصرف کنندگان صورت می‌گیرد منجر به افزایش رفاه مصرف کنندگان خواهد شد. مثلاً اگر دولت برای حمایت از مصرف کنندگان شکر، در قیمت بازار دخالت کند و سقف قیمتی تعیین کند، در واقع دولت حداکثر قیمتی را که باید برای محصول شکر در بازار وجود داشته باشد، تعیین می‌کند. در این صورت قسمتی از اضافه رفاه تولید کنندگان به اضافه رفاه مصرف کنندگان افزوده می‌شود، چون قیمت محصول کمتر از حالت اولیه است. از طرفی بعضی از تولید کنندگان حاضر به عرضه در سقف قیمتی نیستند، لذا میزان عرضه کمتر خواهد شد و به این دلیل هم اضافه رفاه تولید کنندگان و اضافه رفاه مصرف کنندگان کاهش می‌یابد. بنابراین در عین حال که

## کنترل بازار

مصرف کنندگان حتماً کاهش می‌یابد ولی اضافه رفاه تولیدکنندگان از طرفی افزایش و از طرف دیگر کاهش می‌یابد. در مجموع جامعه با اضافه رفاه از دست رفته‌ای که حاصل زیان عدم کارایی است، مواجه می‌شود.

## کتابشناسی

ابونوری، عباسعلی (۱۳۹۱). اقتصاد خرد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران.

شاگری، عباس (۱۳۸۶). اقتصاد خرد ۲ نظریه‌ها و کاربردها. نشر نی، تهران.

فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۸۹). تئوری اقتصاد خرد. دانشگاه علوم اقتصادی، تهران.

John Eatwell, Murray Milgate & Peter Newman, The new Palgrave a Dictionary of Economics. 1988.

Mankiw, N. Gregory (1997). Principles of Economics. South-Western Cengage Learning.

Richard G. Lipsey & Colin Harbury, Principles of Economics. Published August 26th 1993 by Oxford University Press, USA.

محسن نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران